

# ابن سینا

یکی از دانشمندان بزرگ ایران

خاتمه

بقلم آقای جلال همائی

آثار ابن سینا

در حدود یکصد و پنجاه کتاب و رساله و مقاله به فارسی و عربی از تصانیف ابن سینا نام برده اند که از آنها قریب ۱۰۰ جلد چاپی و خطی باقیست و از باقی اثری در دست نیست.

رسم شیخ ابن بود که نسخه منحصراً بفرستادن و کتب خویش را بخواهند گان و کسانی که از وی درخواست تصنیف کرده بودند میداد و آنها را غالباً نسخه بدیگران نمی دادند از این جهت عددهای از آثار شیخ از میان رفت و اگر همت ابو عبید جوزجانی نبود ازین مقدار هم که فعلاً در دست داریم آثار شیخ کمتر بود.

در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء تألیف ابن ابی اصیبه فهرستی از مؤلفات شیخ ضبط شده است.

آثار شیخ رئیس از زمان خودش تا کنون که نزدیک هزار سال میگذرد بیوسته مورد استفاده علمای شرق و غرب بوده و یادگارهای مهمش زبانهای خارجی از قبیل عبری و لاتینی و فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و غیره بارها ترجمه و طبع شده و در ممالک غرب تا قرن ۱۸ بلکه تا نیمه اول قرن ۱۹ میلادی و در ممالک شرق تا کنون هم از کتب درسی و مهمترین مرجع اهل علم و دانش بوده است.

قانون ابوعلی در ظرف سی سال اخیر از قرن شانزدهم میلادی شانزده مرتبه و در قرن شانزدهم بیست بار به لاتینی طبع و در ممالک اروپا منتشر شد.

اینکه گفتیم راجع به تمام کتاب قانون بود اما قسمتهای منفردش باندازه ایست که تا کنون شماره نشده است .

«هورتن»<sup>۱</sup> الهیات کتاب شفا را آلمانی ترجمه و با شرح منتشر کرد. عنوان «ما حد الطبیعه او علی سینا»<sup>۲</sup> رساله حی بن یقظان را «کوفمان»<sup>۳</sup> در سال ۱۸۸۷ طبع کرد. نظر بر این شروع و ترجمه و طبعها فراوان است و فهرستی از آنها در متن و حاشیه شماره ۴ از مجلد اول دائرة المعارف اسلامی طبع شده است .

فهرست بعضی کتب معروف شیخ مطابق آنچه ابن ابی اصیبعه از جوزجانی نقل و قسمتی را خودش احصا کرده بدینقرار است :

۱ - کتاب المجموع یا حکمت عروضیه شامل اقسام حکمت بغیر از ریاضی در بیست و یک سالگی اوایل شروع بتصنیف برای ابوالحسن عروضی در بخارا نوشت .

۲ - کتاب الجاصل والمحصل قریب بیست جلد .

۳ - کتاب البروالائم در اخلاق در دو مجلد این کتاب و کتاب پیش راهم در اوایل شروع بتصنیف در بخارا برای فقیه ابوبکر برقی نوشت .

۴ - کتاب الشفا دوره کامل منطق و فلسفه الهی و طبیعی و ریاضی هجده

مجلد در همدان بخواش ابوعبید شروع کرد و نزدیک بیست روز رؤس مسائل الهی و طبیعی را بنوشت و در اصفهان آنرا تمام کرد - چون از آن پرداخت کتاب الواحق را شرح مانند بنوشت .

۵ - کتب القانون - دوره کامل طب علمی و عملی در چهار مجلد، این کتابها در جرجان آغاز و قسمتی را در ری و باقی را در همدان تمام کرد و بعد ها حواشی بر آن نوشت و میخواست تجارب خویش را بعنوان مباحثات بر آن بیفزاید .

۶ - کتاب الانصاف در بیست مجلد، در این کتاب شیخ تمام کتب ارسطو را شرح کرد و میان فلاسفه شرق و غرب داوری نمود . این کتاب را در اصفهان تصنیف کرد و آن

- را سپاهیان امیر مسعود غزنوی جزو اموال شیخ در اصفهان بغارت بردند .
- ۷ - کتاب النجاة - فلسفه در سه جلد که در ایام اقامت اصفهان در راه شاپور خواست تألیف کرد و کتاب مختصر اصغر را که بجرجان در منطق نوشته بود منطق نجات قرار داد .
- ۸ - اوسط جرجانی در منطق که برای ابو محمد شیرازی در جرجان نوشت . دو کتاب دیگر هم شیخ در جرجان در منطق تألیف فرمود یکی مختصر اصغر که پیش گفتیم و دیگر مختصر اوسط که برای ابو عبید املاء فرمود .
- ۹ - الارصاد الکلیه در نجوم و هیئت و آلات رصدی .
- ۱۰ - المبدأ والمعاد در احوال نفس این دو کتاب را هم در جرجان برای همان ابو محمد شیرازی نوشت که میزبان شیخ در جرجان بود .
- ابن ابی اصیبعه مینویسد من در اول کتاب مبدا و معاد دیدم که برای شیخ ابو احمد محمد بن ابراهیم فارسی تألیف کرده است .
- ۱۱ - کتاب المعاد در ری که بنام مجدالدوله دیلمی نوشت .
- ۱۲ - لسان العرب ده مجلد در لغت ، در اصفهان بسبکی تازه تألیف کرده و از با کنویس این کتاب فراغت نیافت . مطالعات فرنگی
- صاحب طبقات الاطباء در قرن هفتم هجری قسمتی از این کتاب را دیده و آنرا بغرابت تصنیف وصف کرده است .
- ۱۳ - رساله قضا و قدر ، آنگاه که از همدان باصفهان گریخت در بین راه تصنیف کرد .
- ۱۴ - دانش نامه یا حکومت علائبه فارسی که در اصفهان برای علاءالدوله کاکویه نوشت .
- ۱۵ - رساله در آلات رصدیه ، در اصفهان آنگاه که تهیه مقدمات رصد برای علاءالدوله میکرد تصنیف فرمود .
- ۱۶ - رساله در مخارج حروف ، در اصفهان برای ابو منصور محمد بن علی جبائی نوشت و نسخه اش در کتابخانه مجلسی است .

ابو منصور جبائی همان کسی است که بر شیخ در اصفهان بتعریض خرده گرفت که تو فیلسوفی و بزبان و ادبیات عرب احاطه نداری و شیخ را برانگیخت تا دو سه سال مشغول لغت و ادبیات عربی شد و کتاب تهذیب اللغه ابو منصور از هری را از خراسان طاب کرده در لغت و ادبیات عرب در مدت دو سه سال بجائی رسید که کمتر کسی بدان رسیده است. سه قصیده عربی ساخت و سه رساله بسبک سه استاد ابن عمید و صاحب بن عباد و صافی نوشت و چون بر جبائی عرضه دادند بحیرت شد و گمان برد که از آنز آن اساتید است و چون دانست که ریخته خامه توانای شیخ است بی اندازه خجول شد و از در عذر خواهی درآمد و بهمین مناسبت شیخ کتاب اسان العرب را تألیف فرمود که تا آخر عمرش از سواد به بیاض نرسید.

۱۷ - رساله حی بن یقظان

۱۸ - کتاب القولنج این کتاب را در ایام محبس فردجان همدان تصنیف کرد.

۱۹ - ادویه قلبیه که در همدان تألیف و آنرا بشرف سعید ابوالحسن علی

ابن حسین حسینی نامه کرد.

۲۰ - کتاب هدایه در حکمت باختصار آنرا هم در محبس فردجان نوشته

طبقات الاطباء برای برادرش علی تصنیف کرد.

۲۱ - الاشارات والتنبيهات در منطق و فلسفه از کتب بی نظیر شیخ است

که نخست امام فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶) و سپس خواجه نصیرالدین طوسی

(متوفی ۶۷۲) آنرا شرح کرده اند. خواجه نصیرالدین در اواخر شرح این

کتاب از استیلاهی هم و غم سخت نالیده و بدین بیت فارسی متمثل شده است :

بگردا گرد خود چندانکه بینم بلا انگشتی و من نگینم

بعضی قرائن احتمال میرود که این کتاب را شیخ در ایام گرفتاری

همدان تصنیف کرده باشد و اینکه ابن ابی اصیبعه آنرا بهترین و آخرین مصنفات

شیخ شمرده است گویا صحیح نباشد.

۲۲ - کتاب مباحثات بخواهش شاگردش ابوالحسن بهدنیار بن هرزبان

آذربایجانی (متوفی ۴۵۸) نوشت.

- ۲۳ - کتاب تعالیق تعلیمانیست در فلسفه که برای شاگردش ابو منصور حسین بن محمد بن زبیه اصفهانی متوفی ۴۴۰ هجری قمری و وی تعلیقات نوشت.
- ۲۴ - رساله در زاویه در جرجان به ابوسهل سیحی نوشت .
- ۲۵ - حکمت مشرقیه، تماش در دست نیست
- ۲۶ - شبکه و طیر حقایق مرموزه است و بفارسی شرح شده.
- ۲۷ - رساله به ابوسعید یمامی در قوای طبیعی .
- ۲۸ - التدارک لانواع الخطاء فی التدبیر در گرگانج برای وزیر خوارزم- شاه ابوالحسین احمد بن محمد سهیلی متوفی ۴۱۸ تألیف کرده
- شیخ کاتب دیگر هم ماتدقیام الارض فی وسط السماء برای ابن وزیر تألیف فرموده است .
- ۲۹ - رساله در کیمیا به ابوالحسن سهل بن محمد سهیلی نوشت .
- این شخص برادر ابوالحسن سهیلی وزیر خوارزمشاه است و شیخ برای ابن دو برادر و همچنین بعضی فرزندان آنها مانند ابو عبدالله حسین بن سهل بن محمد سهیلی چند کتاب و رساله نوشته است.
- ۳۰ - اضحویه در معاد برای امیر ابوبکر محمد بن عبید.
- ۳۱ - رساله عشق که برای شاگردش ابو عبدالله فقیه معصومی نوشت .
- ۳۲ - جواب چهارده سؤال ابوالحسن عامری .
- ۳۳ - جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی .
- مراسلات علمی شیخ الرئیس با بیرونی بیش از یک مرتبه بوده است در یک نامه جواب ۱۰ سوال و در نامه دیگر جواب ۱۶ سوال ابوریحان است . ابوریحان بر جوابهای شیخ اعتراض کرده و مجدداً شیخ یا شاگردانش جواب داده اند .
- ۳۴ - رساله در رد مقاله ابوالفرج بن طبیب.
- این شخص گویا همان ابوالفرج طبیب همدانی باشد که بر سخنان شیخ

اعتراض داشت و شاید «رجل همدانی» که مدعی فلسفه بود و در کلی طبیعی سخنی عجیب میگفت و شیخ نام او را در بعضی مؤلفاتش آورده و درباره او نامه‌ها به علمای بغداد و بعضی دوستان دانشمندش نوشته است تا میان او و مرد غزیر المحاسن همدانی انصاف دهند همین ابوالفرج باشد (۲)

۳۵ - مناظرات شیخ با ابوعلی نیشابوری درباره نفس.

۳۶ - رسائل شیخ بشیخ ابوسعید ابوالخیر متوفی ۴۴۰.

۳۷ - رساله نبض بقاری، این کتاب را ابوعبید در فهرست مؤلفات شیخ نام برده و قفطی و ابن ابی اصیبه هر دو از وی روایت کرده اند.

۳۸ - تدبیر الجند والممالیک و العساکر و ارزاقهم و خراج الممالک. این کتاب را شیخ در موضوع سیاست مدن نوشت.

۳۹ - رساله در تدبیر منزل.

۴۰ - حکمت عرشیه در فلسفه الهی.

مقصود نگارنده احصاء آثار شیخ نبود و از مصنفات باین اندازه قناعت شد که سنخ آثار و طرز کار شیخ چه بوده و بعضی معاصران و خوانندگان کتب و طرفداران رسائل وی چه اشخاصی بوده اند.

برخی از شاگردان معروف ابن سینا

ابوعلی فلسفه را در شرق و غرب رواج داد و در حقیقت همه دانشمندان دنیا از قرن پنجم هجری تا کنون شاگردان مدرسه ابن بزرگ استاندند.

کسانی که بدون واسطه نزد خود شیخ شاگردی کردند از ۴۰۰ معروفتر عبارتند از:

۱ - عبد الواحد ابوعبید جوزجانی که از ۴۰۳ تا ۴۲۸ م لازم خدمت استاد بود.

۲ - ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان آذربایگانی متوفی ۴۵۸ م مؤلف کتاب التحصیل.

- ۳ - ابو منصور حسین بن محمد بن عمرو بن زبیده اصفهانی متوفی ۴۴۰ .
- ۴ - ابو عبدالله فقیه معصومی که شیخ در باره وی میگفت او نسبت بمن منزله ارسطوست نسبت بانلاطون .
- ۵ - سلیمان دمشقی .
- ۶ - ابو القاسم عبدالرحمن نیشابوری .
- ۷ - السید عبدالله بن شرف یوسف الدین ایلاتی .
- ۸ - امیر ابو کالنجار ( ابو کالیجار ؟ ) .

### بعض معاصران معروف شیخ

شیخ با جمعی از علماء و دانشمندان بزرگ معاصر بود و با برخی مکاتبه داشت .

معروفترین دانشمندان عصر او عبارتند از :

ابو ریحان بیرونی، ابو علی مسکویه، ابو القاسم کرمانی، ابونصر عراق، ابو الخیر خمار، ابوسعید ابو الخیر ابو الفرج بن طیب، ابن جاثلیق .

بعض توضیحات و خلاصه سرگذشت ابن سینا

درین مقاله سعی کردیم که اصح اقوال را درباره زندگانی شیخ ثبت کنیم و از حواشی و باورقی صرف نظر کردیم .

آنچه اینجا نوشته میشود بمنزله حاشیه متممی است برای مقاله:

۱ - در خصوص نام برادر ابو علی که مرددمیان محمود و علی نوشتیم علتش اینست که در سرگذشت ابو عبید نام برادر شیخ یاد نشده است . اما در حاشیه ابن خلکان نسخه بدلی ضبط کرده و آنجا نام محمود آورده است و در طبقات الاطباء مینویسد شیخ کتاب الهدایه را برای برادرش علی نوشت .

۲ - در طبقات الاطباء در فهرست کتب شیخ مینویسد کتاب معتصم الشعراء را در عروض در دیار خویش آنگاه که هفده ساله بود نوشت : ازینجا معلوم می شود که شیخ از ۱۷ سالگی شروع بتصنیف و تألیف کرده و اولین کتابش در فن عروض بوده است .

اما بطوریکه از نوشته ابو عبید و بعضی دیگر معلوم میشود شیخ در بیست و یکسالگی در بخارا شروع بتصنیف کرده و از کتب ابتدائیش حکمت عروضیه و الحاصل والمحصل و کتاب البر والائتم است که بیش گفتیم و اگر پیش از ۲۱ سالگی تألیفی کرده باشد در ردیف آثار مهجش شمرده نمیشده است (۲)

۳- درباره تاریخ تولد و وفات شیخ اختلاف اقوال دیده میشود و تولدش را غالب ۳۷۰ و بعضی ۳۷۳ و برخی ۲۷۵ و بعضی ۳۶۳ و وفاتش را در ۴۲۷ یا ۴۲۸ نوشته اند و مدت زندگانی ویرا غالب ۵۸ سال و برخی ۵۳ سال و حبیب السیر ۶۳ سال و هفت ماه شمسی ضبط کرده اند. شنیده ام روی سنگ قبرش نوشته شده است:

حجة الحق ابو علی سینا      در شجع آمد از عدم بوجود  
در صفا کرد کسب کل علوم      در تکرز کرد این جهان بدرود

اما اصح و شهر اقوال همان است که ابن خالکان از تتمه صوان الحکمه ظهیر الدین بیهقی و قفطی از ابو عبید جوزجانی و یاقوت در معجم البلدان نقل کرده اند که تولد در ۳۷۰ و وفات در ۴۲۸ مدت زندگانی ۵۸ بوده است با این تفاوت که یاقوت و فاترا در روز شنبه ششم شعبان و ابن خالکان اولین جمعه رمضان ۴۲۸ در ۵۸ سالگی نوشته اند.

طبقات الاطباء هم وفات او را ۴۲۸ نوشته اما مدت زندگانی را ۵۳ سال و تولد را ۳۷۵ ضبط کرده است.

قفطی که مأخذش هم گفتار ابو عبید بوده وفات را ۴۲۸ و عمر را ۵۸ (ثمانیا وخمسين در متن با نسخه بدل ثلاثاً و خمسين در حاشیه طبع لیبیک) ثبت کرده و تاریخ تولد را صریحاً ذکر نموده است.

دویت مذکور را معلوم نیست کی ساخته و چه وقت روی قبر شیخ نوشته اند و حتماً بی اشتباه نیست.

۴- کسانی که آموزگار ابو علی را ابو بکر برقی نوشته اند گویا همسایه



اورا که خواهند که کتاب البر و الانم والحاصل والمحصل بود با آموزگار شیخ اشتباه کرده اند .

۵ - ابن خلکان صورت زایچه طالع شیخ را از روی مأخذی که در دست داشته ضبط کرده است - برای کسانی که با فن نجوم آشنائی دارند و میخواهند از روی طالع احکام مولود را بدست بیاورند بی فایده نیست  
بنا بر آنچه گفتیم معلوم شد که :

ابوعالی سینا در ۳۷۰ بقریه افشنه بخارا متولد شد و از پنج سالگی در ۳۷۵ شروع بتحصیل خط و سواد کرد و در ۳۸۰ از مقدمات علوم ادبی فراغت یافت و در ۳۸۶ تحصیل طب را پایان رسانید و بمعالجه بیماران پرداخت و در ۳۸۷ بخدمت نوح بن منصور سامانی پیوست و در ۱۸ سالگی یا قریب ۲۰ سالگی از تحصیل تمام علوم فراغت حاصل کرد و ادبیات و فقه و حدیث و تفسیر و طب و طبیعیات و فنون فلسفه الهی و طبیعی و ریاضی را بحد کمال بیاموخت و خود درین علوم صاحب نظر و رأی گردید و از ۲۱ سالگی در حدود ۳۹۱ شروع بتصنیفات مهم کرد و در ۳۹۲ پدرش بدرود حیات گفت و ابوعالی از بخارا بگرگان رفت و در سال ۴۰۳ در گرگان بود و در حدود ۴۰۵ بری آمد و میان ۴۰۶ و ۴۱۲ در همدان دوبار بوزارت شمس الدوله رسید و میان ۴۱۲ - ۴۱۳ زمان سماء الدوله بن شمس الدوله در قلمه فردجان همدان بحبس افتاد و از حدود ۴۱۴ تا آخر عمرش ۴۲۸ در اصفهان و نواحی آن بخدمت علاء الدوله ابو جعفر کا کویه بسر برد و در ۴۲۸ در همدان وفات کرد و همانجا مدفون شد .

### رباعی

قصه چکنم که اشتیاق تو چه کرد      با من دل بر زرق و تقاق تو چه کرد  
چون زلف دراز تو شبی میباید      تا با تو بگویم که فراق تو چه کرد  
مهری - شاعره معاصر شاهرخ میرزا کورکان